

# ایران

- صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
- مدیر مسئول: محمد حسن روزی طلب
- سردبیر: حسام الدین برومند
- معاون فنی: محمد ملاحی اکبری
- دبیران: مصطفی عبوسی (سیاسی)
- مهدی مهرپور (اقتصادی)
- مصطفی وثوق کیا (فرهنگی)

- آزاده سهرابی (اجتماعی) • بنفشه غلامی (جهان)
- لیدا فخری (اندیشه) • محمد رضا عزیزی (گزارش)
- زهرا کشوری (زیست بوم) • سعید زاهدیان (ورزشی)
- مهدی کلهرزاد (اجرایی)
- حجت حکیمی (صفحه‌آرایی)
- محسن جانی پور (ویراستاری) • ابوالفضل نسایی (عکس)

- تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ • شماره: ۸۸۷۶۱۲۵۴ • ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
- پیامک: ۳۰۰۴۵۱۳۳ • روابط عمومی: نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
- صندوق پستی: ۵۳۸۸۰-۵۳۸۸۵ • امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰
- چاپ: چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام جم
- سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارندگان گواهینامه از ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
- پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷۲ (۰۲۱)
- انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲

چه گفت آن خداوند تنزیل و وحی / خداوند امر و خداوند نهی / که من شهر علم علم علم در است / درست این سخن قول پیغمبر است / گواهی دهم کاین سخن‌ها از اوست / تو گویی دو گوشم پر آواز اوست / علی را چنین گفت و دیگر همین / کز ایشان قوی شد به هر گونه دین / شاهنامه - حکیم ابوالقاسم فردوسی



**امام علی علیه السلام فرمودند:**  
 دوستت را چندان به اندازه دوست بدار که بسا روزی دشمنت شود و دشمنت را چنان به قاعده دشمن دار که بسا روزی دوستت شود.  
 نهج البلاغه: الحکمة ۲۴۸، دانش نامه امیرالمؤمنین (ع)، ج ۴، ص: ۳۷۸.

## نگاره

### ميلاد امام هادی (ع)



رضا بدرالسماء / نقاش و نگارگر

## فضای مجازی

نصب سه اثر از حسن روح الامین بر دیوار حرم حضرت علی (ع)، دلنوشته نیکی کریمی برای دوست و همکار قدیمی خود فریماه فرجامی، دیدگاه محمد سرشار از «مصلحت» و... از اخبار شبانه روز گذشته اهالی فرهنگ و هنر در دنیای مجازی است.

### بعثت در غدیر، بلغ و تاج عرش

حسن روح الامین در صفحه اینستاگرامش و در آستانه عید غدیر خم، دو موضوع در این باره منتشر کرده و آورده: «به یاری خداوند متعال و بی‌استعانت از وجود مقدس حضرت خیر النساء فاطمه زهرا سلام‌الله علیها اسمال برای بار دوم تعداد سه نقاشی دیجیتال با عناوین «بعثت در غدیر، بلغ و تاج عرش» همزمان با ایام عیدالله الکبیر بر دیوار حرم حضرت مولی‌الموحدين امیرالمؤمنین علی علیه السلام نصب خواهد شد. این هنرمند نام آشنای عرصه هنر همچنین با انتشار تصویری در نجف اشرف و حرم حضرت علی (ع) که مربوط به آیین تعویض پرچم مقدس امیرالمؤمنین است نوشته: «بار کج آوردم اما زود تا منزل رسید/ چون علی می‌خواست بارم را خریداری کنی» آیین تعویض پرچم مقدس ایوان طلای حرم امیرالمؤمنین، امام المتقین، حیدر گرار امام علی علیه السلام در معیت جناب سید عباسی خراسان تولیت حرم مولا در روز چهاردهم ماه ذی‌الحجه همزمان با ایام غدیر سال ۱۴۴۴.

### دلنشین، آرام و بسیار فروتن

نیکی کریمی با انتشار یک عکس دسته‌جمعی که در آن زنده یاد فریماه فرجامی هم حضور دارد با یاد و خاطره‌ای از این بازیگر نوشته: «عکسی که می‌بینید از خانم فریماه فرجامی و من و خانم تهمنه میلانی، سال ۱۳۷۵ است. سفری به چند ایالت در آمریکا داشتیم به دعوت مؤسسه‌ای و باید بگویم سفری شد بسیار دلچسب و خاطره انگیز. خانم فرشته طائرپور هم بود و گروهی خانم‌های فیلمساز و بازیگر و تهیه کننده فریماه، دلنشین، آرام و بسیار فروتن بود. همیشه در دسترس، برای پیاده روی یا قهوه و... خلاصه هیچ نشانه‌ای نمی‌دید از کسی که سر نام خودش معطل باشد و به هر دلیل نخواهد ارتباط برقرار کند. روان بود... اولین آشنایی من با فریماه فرجامی برمی‌گردد به همان سال اولی که با فیلم عروس کاندیدای بهترین بازیگر فجر شده بودم. پرده آخر هم در همه رشته‌ها کاندیدا داشت همینطور بهترین بازیگر زن... چقدر زمان زود می‌گذرد... دریغ و افسوس.»

### «مصلحت» را ببینید

محمد سرشار تهیه‌کننده، پژوهشگر و نویسنده ایرانی با انتشار تیزری از فیلم سینمایی مصلحت در صفحه اینستاگرامش با موضوع «از مصلحت تا عدالت» درباره این فیلم نوشته: «جمعه شب فیلم سینمایی «مصلحت» را با همسر و پسر در سینما آزادی تماشا کردم و برایم تجربه عجیبی بود. همان صبح فیلم مصاحبه رئیس سازمان زندان‌ها را دیده بودم که در برابر سماجت مجری، از وضعیت کاریکاتوری (نه‌زندان، نه‌مفقو، نه‌آزاد و نه‌مرخص) سه زندانی صاحب زر و زور (اکبر طبری، محمد علی نجفی و مهدی هاشمی رفسنجانی) خبر می‌داد و همان شب فیلمی را می‌دیدم که تا پیش از این وضعیت کاریکاتوری (نه‌غیرقابل‌پخش و نه‌قابل‌پخش) پیدا کرده بود و اکران نمی‌شد. آن شب گویی از



حوضچه آب سرد مصلحت‌گرایی، به حوضچه آب گرم عدالت‌خواهی پریده بودم و از تماشای بدبختی که ملت بزرگ ایران برای آن انقلاب کرده است، هم ذوق می‌کردم و هم حرص می‌خوردم. عمیقاً باور دارم دو بال پرواز جمهوری اسلامی در دهه چهارم عرش، «پیشرفت» و «عدالت» اند و اگر هنرمندان شجاعی چون محمد رضا شفا و حسین دارابی (و دیگر عزیزانی که علم عدالت‌خواهی را در عرصه هنر بر دست گرفته‌اند) نباشند یک «جمهوری اسلامی پیشرفته ناعادلانه» خواهیم داشت که زیاد بر پا نخواهد ماند. چرا که فرمود: «الملك یبقی مع الکفر و لا یشقی مع الظلم.»

## نقل قول



رضا میرزایی فیلمساز

### اگر دچار فراموشی نمی‌شدند، می‌دیدند که در آن زمان چه اتفاق بزرگی افتاده

ما یادمان می‌رود سهم‌مان در به‌وجود آمدن اتفاقاتی که از آن گله‌مندیم چقدر است، من معتقدم در این زمینه یک فراموشی عمومی اتفاق افتاده است، مثلاً در رابطه با انقلاب برخی‌ها یک حرف‌هایی می‌زنند که با واقعیت تطابق ندارد، طوری حرف می‌زنند انگار درصد کوچکی از جامعه انقلاب کردند در صورتی که اگر دچار فراموشی نمی‌شدند، می‌دیدند که در آن زمان چه اتفاق بزرگی افتاده است، اینها ناشی از یک فراموشی عمومی است و در این فرایند، مسئولیت‌های تک‌تک ما فراموش شده‌است. ما خودمان هم در ناپسامانی‌هایی که شکل گرفته است شریک بوده‌ایم و بین سیاستمداران این مسأله بغرنج‌تر است.

تا اینجا را می‌توان تحمل کرد اما از جایی مشکل عمیق می‌شود که من سیاستمدار نه‌تنها گلایه می‌کنم بلکه بر طبل دوقطبی‌سازی که خودم در آن نقش داشتم هم می‌کوبم و یک قطب را علیه قطب دیگری می‌شورانم که با رأی بیشتری بیاورم یا جناح مقابل را خلع سلاح کنم و یک دعوای سیاسی را به‌نفع خودم به اتمام برسانم، از اینجا به بعد دیگر مسأله فرهنگی است، وقتی این نگاه وارد معادلات کشور بشود و آدم‌ها را به‌نفع خودمان و بر اساس دوقطبی‌های دست‌ساز خودمان، علیه هم بشورانیم، زخم‌های عمیق فرهنگی ایجاد می‌شود.

| بخشی از صحبت‌های این فیلمساز با تسنیم

## یادداشت

### هنر، آینه هنرمند (۴)

در هنر جوشی، نفس هنرمند به سرچشمه، متصل می‌شود؛ ولی اتصال دائم، منوط به تهذیب دائم است. جذبه‌ای در نهادش رخ می‌دهد؛ منبع اتصال، در نفسش تجلی می‌کند؛ نفس مهذب به حق و نفس آلوده، به طاغوت متصل می‌شود. در این اتصال، هر چه می‌خواهد، مناسب سطح و جایگاه نفسش، از منبع دریافت می‌کند. این فعالیت از جانب نفس هنرمند آغاز می‌شود. هر قدر تلاش کند، به سمت آنچه می‌خواهد، مناسب نفسش، می‌رود و هر قدر در ظرفیت و استعداد وجودش باشد، از منبع می‌گیرد؛ وجه فعال، نفس اوست. برای دریافت، می‌کوشد و بنابر سعی‌اش، درونش می‌جوشد. قاعده، کوشش و مجاهدت هنرمند، در توانمندی نفسش از حیث یابی و آلودگی، برای دریافت هنر و جوشش او در درونش است! اگرچه هنر قاعده‌ای همیشه مستثنیات هست، ولی مستثنی، یعنی خلاف قاعده و خلاف، هیچگاه خود قاعده نمی‌شود! اما در هنر پویایی، نفس مهذب، شرط لازم است. هیچگاه در این نشسته، طاغوت، رسوخ نمی‌کند؛ نمی‌تواند که رسوخ کند. اگر فکر کنی که می‌کند، نشسته جوششی را پویایی اشتباه کرده‌ای. در نشسته پویایی، فرشته در آید. هنرمند، معبر عبور فرشته می‌شود. دیو نفس را باید بیرون کنی تا فرشته، آن را بپویید. دیو چو بیرون رود فرشته درآید. در این صورت، اثر هنری، اثری فرشته خوی است. زیرا نفس، جولانگه فرشته شده. اگر نفس را چنانش کنی، فرشته‌ات به دو دست دعا نگی‌دارد. این هنری است که اثر استاد ازل است.



صورت تمایل به صلاح، حق مطلب ادا نمی‌شود و در صورت تمایل به خلاف، به نهایت نمی‌رسد، زیرا هنر، عرصه اعجاز است، عرصه شگفتی است. هنرمند، کسی است که برای اثر در مخاطب و محیط، معجزه می‌کند. گاهی اثر هنری، معجزه‌ای است که دیگران از انجام آن عاجزند. اصلاً هنر، خود عرصه اعجاز است. عرصه‌ای که غیر هنرمند از ورود در آن عاجز است. ولی معجزه آنگاه صورت می‌گیرد که هنرمندان هم از انجام شبیه آن عاجز باشند، مانند حماسه حکیم فردوسی و عشق نامه

صورت تمایل به صلاح، حق مطلب ادا نمی‌شود و در صورت تمایل به خلاف، به نهایت نمی‌رسد، زیرا هنر، عرصه اعجاز است، عرصه شگفتی است. هنرمند، کسی است که برای اثر در مخاطب و محیط، معجزه می‌کند. گاهی اثر هنری، دست می‌گیرد و شرارت خویش را در آنها القا می‌کند و آنها را آینه خود قرار می‌دهد. هنرمندان، آینه‌های خدا و شیطان هستند، البته بعضی از اشیاء آنها نیز هستند که آینه‌های بی‌تصورند! در این وانفسا، چه مبارک و خجسته است آینه خدا بودن.

## عکس نوشت

**شهرستان اسکو آذربایجان شرقی با داشتن آب و هوای مناسب یکی از بهترین مناطق برای کاشت گل محمدی است. گل محمدی این شهرستان و روستاهای اطرافش از لحاظ رنگ و بو و اسانس و گل‌بگیری بی‌نظیر است.** | مهر



## نقد



رضا زافارانی منتقد

نقدی بر نمایش «هبوط» نوشته و کار مجید بشکال از بندرعباس

### فروپاشی یک نمایش

«هبوط» نمایشی درباره هبوط دوباره انسان روی زمین بر پایه گناهان کبیره همانند قتل است و از آنجا که هبوط به معنای سقوط انسان بنا بر همان گناه نخستین و بیرون انداختنش از بهشت به زمین است؛ اکنون که خود زمین نیز تبعیدگاه برای پالایش است اما در آمیختن با گناهان ریز و درشت انگار که زمینه‌ساز هبوط دوباره انسان است و این بار از زمین به جهنم رانده می‌شود و این همان باور ادیان ابراهیمی است



که در نمایش هبوط دارد بررسی می‌شود. زنی که بچه‌ها نیست به ماسا دریا گهواره می‌دهد و از او یک دختر پرزاید می‌گیرد و اکنون با بزرگ شدن دختر و اینکه متوجه ماهیت خود می‌شود و دل به دریا می‌سپارد و همنشین ماه می‌شود؛ مادر بددل را می‌آزارد و پس از تکرار این رفت و آمدها، مادر دستور می‌دهد که پرزاید را بکشند. نمایش هبوط با همه ایده‌های زیبایی که در متن و اجرا دارد اما از داشتن سر و سامان مناسبی در دل یک قالب و شکل اجرایی رنج می‌برد و در آن ساختار نمی‌تواند با تمام عناصر به‌درستی کنار بیاید و تقریباً ایده‌ها ول می‌مانند و پیوست عمیقی در آن برای فهم بهتر شکل نمی‌گیرد.

## نمایش

در متن ایده‌های معنایی زیبایی دارد و از چندلایگی بهره می‌برد که تقریباً می‌توان به آن دل بست چون همه عناصر بد رستی پیش می‌برد و در آن، سبک رئالیسم جادویی باورها و زندگی مردمان جنوب را مطرح می‌کند. این همان نسبت درست با زیست بوم است که اصالت را به اثر می‌آورد. اما بر خلاف متن، اجرا هنوز الکن و ناتوان است که در یک روایت درست برای ایجاد شکل به نتیجه برسد و پیامدش در ساختار بهره‌مندی از تمامی عناصر اجرایی ناب شود و به یک اجرا در سبک رئالیسم جادویی و گونه تراژدی برسد چنانچه در آن همگنی همه چیز با زیبایی ناب مواجه شود.

نمایش هبوط در عناصری چون متن، موسیقی، ساخت عروسک‌ها به زیبایی وارد کارزار شده اما در طراحی صحنه، نور، بازی دهنده‌گی عروسک‌ها و بازیگری ضعیف عمل می‌کند. همین خود عاملی برای برهم ریختن شکل و اجزاست. متن محتوا و باورمندی نسبت به آن را تقویت می‌کند و این خود یک ضرورت پایه‌ای برای ورود به جهان اجزاست و موسیقی افزون بر فضا سازی و ارائه ضرباهنگ برای دنبال شدن خطوط روایت، یک عنصر پویاست که در غلظت یافتن احساسات عروسک‌ها نقش مهمی را ایفا می‌کند

و همچنین گروه‌های جنوبی همواره در ساخت و ارائه موسیقی بسیار خلاق بوده‌اند و این بار نیز تحفه درخوری را به جشنواره عروسکی تهران مبارک آورده‌اند. عروسک‌ها نیز بیانگر کاراکترهای مورد نظر است اما بازی دهندگان در ایجاد حرکت و صداسازی کم می‌آورند و در جهت مطلوب‌تر شدن نمایش نکاپویی ندارند. طراحی صحنه اصلاً شکل و شمایل ندارد و نمی‌تواند معرف زیبایی برای ارائه فضا و مکان باشد و این ضعف عمده‌ای است که در فروپاشی اثر نقش بزرگی دارد. در کل هبوط جاذبه‌هایی برای دیدن و شنیدن دارد اما باید با تجدید نظر خود را برای یک رویایی ماندگار و مطلوب بازسازی و تقویت کند.

